



تاریخ نویسی فارسی در شبه قاره در

نیمه اول سده هجدهم میلادی

(متن سخنرانی در دانشگاه کراچی)

دکتر رضا شعبانی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی



از وقتی که اسلام به همت سلطان محمود غزنوی در منطقه شبه قاره نفوذ کافی پیدا کرد و زبان و ادب شیرین فارسی نیز همزمان جا و موقع ممتازی در میان دانشوران ناحیه یافت، به تبع، تاریخ نویسی که از فنون ادبی است و حوادث روزگاران را ثبت و نگهداری می کند در میان اهل قلم رواج پیدا کرد. قدمت این فن به نخستین عصر درخشانی برمی گردد که پس از حضور ایرانیان مسلمان در هند آغاز شد و تا به زمان مورد بحث ما برسد، مراحل تحول و اکمالی شایسته خود را طی کرد. بی شک نخستین مورخ بزرگ از ایران که وظیفه خطیر خود را شناخت و با نهایت درایت هم بدین مهم پرداخت ابوریحان بیرونی است که تحقیق مالهند را به رشته تحریر در آورد و هرچند که کتاب خود را به یکی از دو زبان علمی عصر یعنی عربی نوشت ولی باز محرز است که ذهن و زبان او اساساً ایرانی و فارسی است و جایگاه بلند وی را نیز به همین صورت عرضه می کند. گفتنی است که تدوین کتاب او با تصنیف نخستین دیوان فارسی شاعر بزرگ منطقه مسعود سعد سلمان لاهوری و نیز نخستین تألیف جامع عارفانه صوفی بزرگ فارسی نویس حضرت علی بن عثمان هجویری مقارنت دارد و فی الجمله باید عصر این بزرگان را روزگار درخشش استعدادهای ارجمند به شمار آورد.

باری که این جانب در نظر ندارد مقدمه این سخنرانی را

بجنان وسیع بگیرد که از ذی المقدمه طولانی تر شود ولی ناگزیر به ذکر این نکته مهم است که بعدها مسلمانان شبه قاره، همتی عظیم برگشایش و گسترش همه ابواب علم مبذول داشتند و سهم تاریخ و تاریخ نویسی نیز به شهادت صدها کتاب مهمی که خاصه در عصر گورکانیان تدوین یافت و کثیری از آنها نیز تا کنون چاپ و منتشر شده به هیچ صورت از دیگر بخشهای مورد نظر کمتر نبوده است.

آنچه که فی الحال مورد بحث است شرح احوال و آثار تاریخ نویسان عصر افشاری است که مقارن با نیمه اول سده هجدهم میلادی و بالاخص از زمان انقراض سلسله صفویه به دست غلزائیان قندهار (۱۱۳۵ هـ. ق / ۱۷۲۲ م.) تا پایان کار سلسله موصوف علیه (۱۱۶۰ هـ. ق / ۱۷۴۷ م.)



۴- ابن محمد صادق حسینی نیشابوری نجفی
برهانپوری، محمدعلی، مرآت الصفا، نسخه خطی کتابخانه
موزه بریتانیا، لندن، به شماره های Add.65.39.

۵- همین نویسنده، برهان الفتوح، نسخه خطی کتابخانه
بریتانیا، لندن به شماره Ov.18.24.

۶- ابن ممتاز الملك (انتظام الدوله ممتاز الدوله مهاراجه
کلیان سنکه بهادر دستور جنگ)، خلاصه التواریخ، نسخه
خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن به شماره Add.24.084.

۷- ابن هدایت خان ابن السید علیم الله خان بن سید فیض
الله الطباطبائی الحسنی (غلامحسین)، سیرالمتأخرین، ۲ جلد.
نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن به شماره
Add.65.99.

۸- انصاری پایتی، محمدعلی خان، تاریخ مظفری، نسخه
خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن به شماره Ov.466.

۹- حزین، شیخ محمدعلی، سفرنامه، پاکشده محمدی،
تهران، ۱۲۱۶ هـ.ق.

۱۰- خوشحالچند ولد جیونرام کاتیه منشی دفتر دیوانی
صوبه دار الخلافه شاه جهان آبا.

۱۱- شاکرخان، تاریخ محمدشاهی یا تاریخ شاکرخانی،
نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا لندن به شماره
Add.65.85.

می زیسته اند. در این فاصله ها البته ایرانیان زیادی نیز به
منطقه آمدند و مانند میرزا مهدی خان منشی استرآبادی مورخ
ثقه عصر نادری از نزدیک هند را دیدند و به شرح جزئیات
حوادث مشهود خویش پرداختند ولی مراد ما بی شک آن
گروه از مورخان و وقایع نگارانی است که در داخل منطقه
می زیستند و همزمان با سنوات مورد نظر به نوشتن و تألیف
کتابهایشان اشتغال داشتند. این جانب با تحقیقاتی که در طی
قریب یک ثلث قرن در منابع ذکر شده نیز کلیه متون شناخته
شده را شخصاً بررسی و مطالعه کرده، به نتایجی دست یافته
است، که ذیلاً شمه ای از آن ذکر می شود.

الف- نسخ خطی معتبر شناخته شده در کتابخانه ها:
۱- ابن روشن الدوله ابن بهکهار یخان بهادر رستم جنگ
ابن روشن الدوله ظفرخان (غلامعلی خان)، مقدمه شاه عالم
نامه نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن، به شماره
Add.Pers.245.

۲- ابن فضیل خان بن محمد کامل الحارثی البدخشی.
محمد افراسیاب، شگرف نامه عهد مبارک، نسخه خطی
کتابخانه ملی پاریس، به شماره Suppl.Pers. 309.

۳- ابن محمد حفیظ انصاری، محمد اسلم، فرحت
الناظرین، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره
Suppl.Pers.245.



صفحه ای از مرقع گلشن - خوشنویس در حال کتابت سده ۱۱ هـ.ق. موزه هنرهای تزئینی. تهران

۱۲- شعبانی، رضا، حدیث نادرشاهی، مجموعه پنج نسخه خطی موجود در کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن. دانشگاه ملی ایران، تهران. ۱۳۵۵.

۱۳- فخرالدین حسین، محمد، مرآة الاشباه سلاطین گورکانی هند، نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا، به شماره Ov.182.

۱۴- کشمیری، عبدالکریم، بیان واقع، تصحیح دکتر کی بی نسیم. اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاهور. ۱۹۷۰.

۱۵- وارد، محمد شفیع، تاریخ نادرشاهی، به اهتمام رضاشعبانی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.

۱۶- ولد همت خان، غلامحسین خان، ذکر السیر، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس، به شماره Suppl. Pers. 309.

۱۷- مؤلف گمنام، احوال نادرشاه (اخبار نادرشاه)، نسخه خطی کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن، به شماره ۵۷۳.

۱۸- مؤلف گمنام، اخبار وقایع نادرشاه و فرخ میر، نسخه خطی کتابخانه مرکزی کمبریج به شماره Add.316.

۱۹- مؤلف گمنام، تاریخ بیست و دو سال حکومت محمد شاه نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس، به شماره Suppl. Pers. 311.

۲۰- مؤلف گمنام، تاریخ پادشاهان عجم و غیره که در مملکت ایران سلطنت کرده اند (خلاصه تاریخ احوال سلاطین از ابتدای سلطنت که کیومرث بوده باشد تا اواخر فتحعلی شاه)، نسخه خطی، کتابخانه موزه بریتانیا، لندن Ov. 33. 33.

۲۱- مؤلف گمنام، تاریخ هند، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس، به شماره Suppl. Pers. 1484.

۲۲- مؤلف گمنام، تواریخ نادرشاهی (حادثه نادرشاهی) نسخه خطی کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن به شماره ۱۲۱۵.

۲۳- مؤلف گمنام، ذکر احوال نادرشاه، نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن به شماره Add.16.885.

۲۴- مؤلف گمنام، فتح نامه نادرشاه بعد از فتح هند به فرزند خود رضاقلی میرزا به همراه نامه احمدپاشا به نادرشاه

و جوابی که نادرشاه به احمد پاشا نوشته، نسخه خطی کتابخانه آصفیه حیدرآباد، دکن به شماره ۱۳۱۳۸.

۲۵- مؤلف گمنام، فهرست اسامی راجه ها و پادشاهان منقول از روی دستورالعمل کتاب هادی علی خان، نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا، لندن به شماره Add.65.87.

۲۶- مؤلف گمنام، کیفیت راهی شدن سلطنت پناه نادرشاه به سمت هندوستان (وقایع تسخیر قندهار و عزیمت نادرشاه به هندوستان)، نسخه خطی کتابخانه پاریس، به شماره Suppl. Pers. 311.

۲۷- مؤلف گمنام، واقعه خرابی دهلی به عهد محمدشاه از ورود نادرشاه، نسخه خطی کتابخانه آصفیه، حیدرآباد دکن، به شماره ۱۲۱۲۵.

۲۸- مؤلف گمنام، وقایع جنگ نادرشاه، نسخه خطی کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن، به شماره ۱۲۱۴۳.

ب- کتی که مورد بحث و نقد و تحلیل در این گفتار است:

۱- بیان واقع تألیف عبدالکریم کشمیری، به تصحیح استاد دکتر نسیم (که ذکر آن گذشت).

۲- حدیث نادرشاهی، به تصحیح این ضعیف، منطبعة دانشگاه ملی ایران.

۳- تاریخ نادرشاهی، به تصحیح این بنده، نشر بنیاد فرهنگ ایران.

لذا در مورد هر کدام از آنها عریضی هست که به ترتیب ذکر می شود. امیدوارم از اتلاف وقت شما سروران و عزیزان حاضر در این مجلس، جلوگیری کنم و مطالب را در حد اختصار بیان دارم.

نخست آنچه که به مرحوم عبدالکریم کشمیری و کتاب ارجمند او برمی گردد بررسی کنیم. عبدالکریم در سفری که نادر به هند کرد وی را از دهلی به هرات و بخارا و مشهد و تهران و قزوین همراهی کرد و در طی قریب دو سال که به همراه اردوی پادشاهی بود منظمأ از احوال نادر و رجال نظامی - سیاسی روزگار آگاهی داشت. وی شاهد وقایع بسیاری است که در همین روزگار اتفاق افتاده و با قلمی شیوا

و شیرین به شرح و تفصیل آنها پرداخته است. امتیاز عمده ای که کتاب او دارد این است که مؤلف آزاده، مطالب خود را در حینی تنظیم کرده که به هند بازگشته است و بنابراین دور از محیط رعب و وحشتی که فرامین نادری به وجود آورده بود همه هرچه را که می خواست با روشنی روان و فصاحت بیان به قلم آورد. مؤلف کتاب مردی وارسته و متقی است و از فحوای جملات و عبارات و سخن پردازی او به وضوح دانسته می شود که نه دل به زخارف دنیاوی بسته و نه دچار رعب و صولت حاکم مقتدر عصر شده است. این است که هرچه در دل دارد و یا می بیند و درک می کند، همه را بدون تکلف می نویسد.

به گمان این بنده، کتاب «بیان واقع» عبدالکریم کشمیری یکی از بهترین آثار تاریخی شبه قاره در سده مورد بحث است و کاری هم که استاد دکتر کی. بی. نسیم کرده اند بر اعتبار و منزلت آن افزوده است. بنده در سال ۱۳۵۵ یعنی قریب به شش سال پس از طبع متن به وسیله ایشان، معرفی جامعی از متن به عمل آوردم که در همان روزگار، در مجله «راهنمای کتاب» در ایران منتشر شد. امیدوارم که محققان علاقه مند فرصت نگاه بدان و راهنمایی های بیشتر به این بنده را بیابند.

۲- کتاب دومی که اینک مورد بحث است «حدیث نادرشاهی» نام گرفته است و این نام را هم خوب یا بد، شخص این ضعیف بر آن نهاده. چه که در اصل پنج کتاب و مقاله مستقل است که به وسیله مؤلفان گمنام نوشته شده و در کتابخانه حیدرآباد دکن نگاهداری می شود. اهمیت این متون پراکنده در آن است که مؤلفان، همه از معاصران وقایع بوده اند و همه هر کدام گوشه هائی از صحنه های متعدد و گسترده ایام را توصیف کرده اند. این که بخشهای مختلف کتاب «اصالت» دارند و به وسیله کسانی هم نوشته شده که حوادث شبه قاره را به رأی العین دیده و ضبط کرده اند براهمیت آن می افزاید. غث و سمینی هم که در کار تألیف مشهود است طبیعی است و حکایت از توانائیهای بیش و کم قلم هائی دارد که به این امر پرداخته اند. بنده ناچیز این منابع را در همان کتابخانه آصفیه مورد مطالعه قرار داد و بعدها

یعنی در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی حواشی و تعلیقاتی تفصیلی بر آنها نوشت که در همان وقت به وسیله دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی بعدی) چاپ و منتشر شد.

۳- و اما سومین کتاب که در این عرایض از آن به نام «تاریخ نادرشاهی» نام برده شده، از مؤلفی است به نام میرزا محمد شفیع وارد طهرانی. اصل نسخه که تا امروز منحصر به فرد شناخته می شود در کتابخانه ملی پاریس مضبوط است و این ضعیف چون سنواتی از عمر را به بهانه تحصیل در آن دیار گذرانیده، موفق شده است که متن مزبور را تصحیح کند و به ضمیمه تعلیقاتی تفصیلی به چاپ رساند (از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹) مؤلف ادعا دارد که اجداد وی از تهران به شبه قاره رفته اند ولی پر پیداست که خود او در شبه قاره به دنیا آمده و احیاناً در دهلی یا شاه جهان آباد رشد کرده است. قلمی دارد و طبع شعری، منشآت و تألیفات دیگری نیز از او باقی است که همه حکایت از ذوق نویسندگی و توانائیهای دیوانی وی می کند. از نظر این بنده، اهمیت کار میرزا شفیع طهرانی هم در این است که ساکن در دهلی بوده و حوادث سهمگینی را که گذشته، به چشم خویش رؤیت کرده است. مردی بی طمع و سالم و خوش فکر و پاک نیت به نظر می رسد که قدمی بی منّ و اذی برداشته قلمی بهر رضا زده است در توصیف برخی از وقایع مربوط به ایران اطلاعات کافی نداشته و به همین واسطه بر مسموعات تکیه کرده است ولی جدای از این امر، و تأیید ختم کتاب بر وقایع سالهای ۱۱۵۳ و ۱۱۵۴، می توان بخشهای دیگر متن را مفید و ارزنده شمرد و خاصه از بحرانهائی که بر منطقه گذشته و مؤلف به تفصیل شایسته از آنها یاد کرده، اطلاع کافی یافت. بدین گونه می توان متن مانحن فیه را از منابع بالنسبه مهم تلقی نمود و آگاهیهای مندرج در آنرا برای تصحیح بسیاری از اخبار نادرست کتب همزمان، مورد استفاده قرار داد. ■

